

ساخت واژه در گویش کلیمیان اصفهان

ایران کلباسی
مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ، تهران

چکیده

بررسی لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروزه بیش از گذشته مورد توجه پژوهشگران ایرانی ، بویژه زبان‌شناسان قرار گرفته است . بدون شک نتیجه این نوع پژوهش‌ها با اعمال برای تحقیقات زبانی ، ادبی ، تاریخی ، جامعه‌شناسی ، مردم‌شناسی و جز آن مفید خواهد بود . در این مقاله انواع واژه ، از نظر ساخت ، در گویش کلیمیان اصفهان مورد بررسی قرار گرفته است .

مقدمه

گویشی که در حال حاضر کلیمیان ایران به آن صحبت می‌کنند از جمله گویش‌های ایرانی است که جزو دسته گویش‌های مرکزی ایران به شمار می‌رود . این گویش امروزه در شهرهای اصفهان ، همدان ، کاشان ، یزد ، بروجرد و چند شهر دیگر ایران و نیز در نقاطی در خارج از ایران ، چون قفقاز ، سمرقند و بخارا رایج است . گفته شده است که گویش فعلی کلیمیان

اصفهان، گویش سابق مردم اصفهان بوده که کلیمیان آن را بین خود حفظ کرده‌اند. اگر این نظر را بپذیریم می‌توان آن را نیز در مورد سایر انواع گویش کلیمی در ایران و یا خارج از ایران تعمیم داد و چنین نتیجه گرفت که کلیمیان ایران در هر نقطه که ساکن شده‌اند حافظ زبان سابق آن ناحه گردیده‌اند.

راجع به ورود کلیمیان به ایران و تاریخ آن نظریات مختلفی وجود دارد که از عهده این مقاله خارج است.^۲ تنها ذکر این نکته ضروری به نظر می‌رسد که طبق سرشماری سال ۱۳۵۰، جمعیت کلیمیان اصفهان در حدود ۲۳۰۰ نفر بوده است.^۳ (آمار جمعیت آحاد سالهای اخیر به دست نیامد).

واژه در گویش کلیمیان اصفهان از نظر ساخت اشتقاقی^۴ (و نه تصریفی^۵) به سه نوع تقسیم می‌گردد: ساده،^۶ مشتق^۷ و مرکب.^۸

واژه "ساده" تنها از یک واژه آزاد^۹ ساخته شده است، مانند (تاب) $!^0$ teu (تب).

۱- احمد تفضلی (۱۳۵۰)، ص ۷۸.

۲- نگاه کند به سیروس شفق (۱۳۵۳)، ص ۳۹۷.

۳- همانجا، ص ۲۰۹.

4- derivational

5- inflectional

6- simple

7- complex

8- compound

9- free morpheme

۱۰- علائم آوانگار زیر در این مقاله به کار رفته است:

پ = پ; b = ب; t = ت; θ = ث; چ = چ; c = ج; x = خ; d = د; ژ = ذ

r = ر; z = ز; f = ف; a = ق; k = ک; g = گ; l = ل; m = م; n = ن

v = و; h = ه; š = ش; y = ی; ? = همزه

مصوت

a = آ; â = آ; e = ا; o = او; i = ای; u = او; ou = او; eu = او

واژه "منتق" علاوه بر یک یا چندواژک آزاد دارای یک یا چندوند اشتقاقی^{۱۱} است، مانند

gil-ak (بولک)، gand-a (گندیده).

واژه "مرکب" بشی از یک واژک آزاد دارد، مانند *yan-e-buvā* (رن پسر) (در

bâbâ-bele (پدربرگ)).

"فعل" چون در مقایسه با سایر انواع واژه ساخت متفاوتی دارد، در این مقاله، در ابتدا

افعال غیر بسیط و سپس سایر انواع واژه مورد بحث قرار می‌گیرند.

فعل

۱۲. افعال غیر بسیط به دو نوع تقسیم می‌گردند: منتق و مرکب.

۱- فعل منتق

افعال منتق علاوه بر جزء فعلی، دارای یک وند اشتقاقی اند. وندهای اشتقاقی که به

صورت می‌شوند با فعل همراه می‌گردند عبارتند از:

ve - (برگشتن) *ve-gartan* ، (واما شدن) *ve-munan* ،
ve-gifdan (برداشتن) *ve-šexan* (وارفتن) *ve-šgofdan* (سکافتن).

var - (در رفتن، فرار کردن) *var-mâlan* ، (ورکشیدن) *var-kešan*

var-vešan (برجستن) ، *var-θatan* (وزن کردن).

ver - (شدن) *ver-ešnofdan* ، (برخاستن) *ver-oθan*.

dar - (افتادن) *dar-kafdan* ، (انداختن) *dar-xoθθan*

dar-bešan (درمکانی بودن).

]]-derivational affix

۱۲- برای اطلاع از ساخت تصریفی فعل در این گوشه رک. ایران کلیاسی (۱۳۵۷) ص

feru- \hat{r} artan (فرو آمدن) ، feru- \hat{r} undan : feru-
 آوردن) ، feru-nišdan (فرو نشستن) ، feru- \hat{s} e \hat{s} an (فرو رفتن) .

۲- فعل مرکب

فعل مرکب علاوه بر جزء فعلی ، دارای جزء یا اجزائی به صورت اسم ، صفت ، ضمیر و حرف اضافه است . جزء غیر فعلی در فعل مرکب ممکن است دارای یکی از پیشوندهای فعلی نیز باشد . جزء غیر فعلی در فعل مرکب شامل انواع زیر است :

اسم : \hat{r} ou-kafdan (آب افکندن) ، band-ba θ θ an (بند زدن) ،
 Pand-dan (پند دادن) .

صفت : \hat{r} ârum-gifdan (آرام گرفتن) ، belan-kartan
 (بلند کردن) ، â \hat{x} âd - bebdan (آزاد شدن) .

اسم + اسم : \hat{r} ou-pa θ -dan (آب پس دادن) .

اسم + پیشوند فعلی : vir-ve- \hat{s} dan (از یاد رفتن) ، da θ -ve-gifdan
 (دست برداشتن) .

ضمیر : \hat{r} am - ba θ θ an (هم زدن) .

حرف اضافه + اسم : be-yâ- \hat{r} artan (به جا آوردن) ، \hat{r} e \hat{s} -ri- \hat{s} e \hat{s} an
 (از رو رفتن) ، \hat{r} e \hat{s} - \hat{c} e \hat{s} m-kafdan (از چشم افکندن) ، bar-vâ \hat{x} -dan
 (بر یاد دادن) ، be-rey-xo θ θ an (بمراه انداختن) .

حرف اضافه + ضمیر : be- \hat{r} am-xortan (بهم خوردن) ، \hat{r} am -
 kartan (درهم کردن) ، tu- \hat{r} am-bebdan (درهم شدن) .

حرف اضافه + پیشوند فعلی : be-dar - bartan (از راه به در بردن) .

حرف اضافه + اسم + پیشوند فعلی :

\hat{r} e \hat{s} -pâ - dar - kafdan (از یاد افکندن) ،

\hat{r} e \hat{s} - \hat{s} ir - ve - gifdan (از شیر گرفتن) ،

\hat{r} e \hat{s} - kâr - dar - kafdan (ارکار افکندن) .

حرف اضافه + ضمیر + اسم :

?e ʒ-xoð-ki-yârtan (از خود درآوردن) .

حرف اضافه + ضمیر + صفت :

?e ʒ-am-ve ʒâ-â-bebdan ، (از هم جدا کردن) ،
?e ʒ-am-ve ʒâ-â-kartan (از هم جدا شدن) .

اسم + کسره اضافه + اسم :

diçâr-e-θaxti-bebdan (دچار سختی کردن) ،
diçâr-e-θaxti-kartan (دچار سختی شدن) .واژه های غیر فعلی

واژه های غیر فعلی که شامل اسم ، صفت ، ضمیر ، قید و جزآنند ، نوع غیر بسیط آنها

نیز به دو گروه مرکب و مشتق تقسیم می گردد :

یک - مرکب

این گروه واژه از نظر نوع اجزاء ترکیب شده به دسته های زیر تقسیم می گردند :

الف - اضافه ای : که کسره اضافه ای به صورت بالفعل یا بالقوه بین دو اسم یا اسم و

صفت قرار می گیرد ، مانند pir-e-ʒâmu (پیرعمو) ، ʒali-ʒard (آلبو زرد) ،
ʒov-âš (آبگوش) .

ب - اضافه مقلوبی : که جای مضاف و مضاف الیه با موصوف و صفت عوض می شود ،

مانند ʒeu-kelâ (شب کلاه) ، ʒard-âli (زرد آلو) ، va ʒ-me ʒe

(بدمزه) .

ج - همراه با مشتق فعل : که یکی از کلمات مشتق از فعل ، مانند صفت فاعلی یا صفت

مفعولی (مرخم یا غیرمرخم) در آن وجود دارد ، مانند : ʒou-pâš (آبپاش) ،

di ʒ-keš (دودکش) ، yâ-dâr (جادار) ، ʒavval-ʒâd (بچه اول) ،

num-ʒad (نامزد) ، gel-âlit (گل آلود) ، be ʒâr-xunde (برادر

خوانده) ، ʒou-diye (آب دیده) ، ʒou-nediye (آب ندیده) .

د- پیش وایسته‌ای : که یکی از پیش وایسته‌های اسمی در آغار آن قرار دارد . پیش وایسته‌ها شامل انواع زیرند :

۱- صفت اشاره : ?un-tour (آنطور) ، ?un-čē (آنچه) ، ?in-qad (اینقدر) ، ?in-tour (اینطور) .

۲- صفت عددی : ?e-pâyye (سه یاب) ، do-šâxe (دوشاخه) ، bayn-šabbât (بینشنبه) ، di-llâ (دولا) .

۳- صفت مبهم : ?ar-yâ (هرجا) ، ?ar-čī (هرچه) ، ?ar-vaxt (هروقت) .

۴- صفت پرشی : čē-kâr (چکار) ، čē-touri (چطور) ، ča-qade (چقدر) ، čon-paθθâ (چند دفعه) .

۵- صفت تأکیدی : ?am-in (همین) .

ه- جمله گونه : واژه مرکبی است که در آن یک فعل وجود داشته باشد ، مانند vâ-ve?jan (بادبزن) .

و- حرف اضافه دار : واژه مرکبی است که یکی از حروف اضافه در آغاز آن باشد . حروف اضافه که در این نوع ترکیب به کار می‌روند شامل انواع زیرند :

bâ : bâ-?am (باهم) ، bâ-đevum (بادوام) ، bâ-nemak (بانمک) .

vi : vi-čâre (بیچاره) ، vi-yuš (بی هوش) ، vi-me?e (بی مزه) .

vi-xebar (بی خبر) ، vi-tou (بی تاب) ، vi-?ahat (بی جهت) .

be : be-?o (بجز) ، be-?jâ (بجا) ، be-tâ?egi (بتازگی) .

ز- حرف ربط دار : واژه مرکبی است که یکی از حروف ربط در آن باشد ، مانند ?in-ge (اینکه) .

ح - پیونددار: نوعی واژه مرکب است که واژه باواژگی به صورت پیوند^{۱۳} بین دو جزه

اصلی آن بیاید. پیوندها شامل انواع زیرند:

â: 9ar-â-9ar (سراسر).

bar: pâ-bar-yâ (بابرجا).

be: ?ou-be-?ou (آب به آب)، ri-be-ri (رو به رو).

yâ-be-yâ (جابجا).

(?)o: poš-t-o-dim (پشت و رو)، bume-?o-bešo (آمد

ورفت)، xiš-o-qoym (خویش و قوم)، qad-o-bâlâ (قد و بالا).

ط - مکرر: کلمه مرکبی است که یک جزء در آن تکرار شود، مانند rey-rey (راه

راه)، meže-meže (مزه مزه)، xâš-xâš (خشخاش).

پیت-پیت (تنگ گوشتی)، peč-peč (پچ پچ)، henn-o-hen (هین هین).

ی - اتباع: به گروهی از کلمات مرکب گفته می شود که یک جزء آنها بدون معنی باشد

و به تبعیت جزء دیگر بیاید، مانند 14 čeran-peran (چرند پرنس)،

dari-vari (داری وری)، ĵarq-o-barq (زرق و برق).

چنانکه ملاحظه می گردد بعضی از کلمات مکرر با اتباع نبردارای پیوند "o" هستند.

دو - مشتق

واژه های مشتق غیر فعلی، همانطوریکه قبلا گفته شد، حداقل دارای یک ونه

اشتقاقی به صورت پیوندی یا پیوند هستند.

۱۳- اصطلاح "پیوند" در اینجا معادل با "حرف ربط" نیست.

۱۴- برای اطلاع بیشتر از کلمات اتباع رک، ایران کلباسی (۱۳۵۸)، ص ۶۳-

پیشوندها

پیشوندها شامل انواع زیرند:

- ne-**: با اسم باصفت ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند ne-doti (نادختری)،
 ne-piri (نایسری)، ne-večey (بچه خوانده)، ne-buvây (نایدیری).
nâ-: با اسم باصفت ترکیب می‌شود و صفت باقیم می‌سازد، مانند nâ-pâk
 (نایاک)، nâ-xbar (ناغامل، ناکهان).

پسوندها

پسوندها عبارتند از:

- â**: باصفت ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند rušn-â (روشنی).
-âd: با اسم می‌آید و صفت می‌سازد، مانند âb-âd (آباد).
-âle: با اسم ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد، مانند moč-âle (مُجاله).
-âli: با اسم ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد، مانند xov-âli خواب آلود.
-âni: با اسم می‌آید و صفت می‌سازد، مانند aθab-âni (عصباتی).
-a: با اسماک حال فعل می‌آید و صفت مفعولی می‌سازد، مانند reθ-a (رسیده)،
 piθ-a (پوسیده)، gand-a (گندیده).
-[a]bun^{۱۵}: با اسم ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد، مانند mehr-[a]bun
 (مهربان).

- ak**: با اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند pil-ak (پولسک)،
 fitfit-ak (سوت سوتک).
-an: نشانه مصدر است، مانند bart-an (بردن).

۱۵- آنچه در داخل نشانه [] آمده است، واژه میانجی است که بین دو همخوان
 ظاهر شده است.

-an : نشانهٔ قیدساز عربی است ، مانند *hatm-an* (حتماً) .

-e : با اسم وابستاک گذشته فعل ترکیب می‌شود و اسم یا صفت مفعولی می‌سازد ، مانند

diŋ-e (دوده) ، *ferfer-e* (فرفره) ، *darkafd-e* (افتاده) .

-ek : با صفت یا اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد ، مانند *ard-ek* (زرزک) ،

θang-ek (سنگ) .

-eki : با اسم می‌آید و صفت می‌سازد ، مانند *ov-eki* (آبکی) .

[e] mun : با اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد ، مانند *mun- [e] âθ* (آسمان) .

این کلمه امروزه بسط به نظر می‌آید .

[e] nâk : با اسم ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد ، مانند *caθb- [e] nâk*

(چسبناک) .

-e θoun : با اسم می‌آید و اسم "مکان" می‌سازد ، مانند *kord-e θoun* (کردستان) .

-eš : با استاک حال فعل ترکیب می‌شود و اسم مصدر می‌سازد ، مانند *θuš-eš*

(سوزش) ، *parŋ-eš* (ارزش) .

-ešd : صورتی از پسوند *-eš* است که با استاک حال فعل ترکیب می‌شود و اسم

مصدر یا اسم می‌سازد ، مانند *xor-ešd* (خورش) ، *gard-ešd* (گردش) .

[e] var : با اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد ، مانند *žun- [e] var*

(جانور) .

-i : با صفت یا اسم ترکیب می‌شود و به ترتیب اسم یا صفت می‌سازد که اولی را

"با-مصدری" و دومی را "با-نسبت" نامند ، مانند *viyuš-i* (بیهوشی) .

θouŋ-i (سبزی) ، *mâŋ-i* (مادری) ، *emartan-i* (شکستی) .

-iči : با اسم ترکیب می‌شود و اسم "مصغر" می‌سازد ، مانند *pir-iči*

(پسریچه) ، *boŋ-iči* (برغاله) ، *tong-iči* (تنگ کوچک) .

-iĵi : باصفت ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند θir-iĵi (سرخک).

-ik : باصفت ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد، مانند târ-ik (تاریک).

-ike : با اسم ترکیب می‌شود و اسم "مصغر" می‌سازد، مانند ĵan-ike (زک).

-in : با اسم ترکیب می‌شود و اسم "منسوب" می‌سازد، مانند puθ-in (پوستین).

piš-in (ظہر).

-iye : با اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند ĵā^χ-iye (جہیزہ).

-iĵe : باصفت ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد، مانند pāk-iĵe (پاکرہ).

-u : با اسم ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد، مانند ʔaxm-u (اخمو) tarθ-u.

(ترمو).

-ule : با اسم ترکیب می‌شود و اسم "مصغر" می‌سازد، مانند ʔang-ule

(زنگولہ).

-uli : صورتی از پسوند -ule است که صفت می‌سازد، مانند kuč-uli

(کوچک).

-un : با سناک حال فعل ترکیب می‌شود و صفت با اسم می‌سازد، مانند

ʔāvi^χ-un (آویزان)، enâband-un (حنابندان).

-une : با اسم ترکیب می‌شود و صفت با اسم می‌سازد، مانند ĵan-une

(زنانه)، pir-une (پیرانه)، mâ-une (ماہانہ)، θahb-une (صحانہ).

-uni : با اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند piš-uni (پیشانی).

-bâ : با اسم ترکیب می‌شود و اسم با معنی "محافظ" می‌سازد، مانند nun-bâ

(نانسوا).

-ĉe : با اسم ترکیب می‌شود و اسم "مصغر" یا "منسوب" می‌سازد، مانند

ʔâli-ĉe (آلوچہ)، vâĵâr-ĉe (بازارچہ)، dulâb-ĉe (دلبابہ).

mâmâ-če (ماما، فابله).

-či: صورتی اریسونده-če است که با اسم ترکیب می شود و اسم 'مصغر' می سازد،

مانند dot-či (دختر بچه)، belun-či (خمیره کوچک)، čiri-či (جوجه).

xuruθ-či (جوجه خروس)، dotak-či (جوجه مرغ کوچک).

-či: پسوند ترکی است که اسم با معنی "شغلی" می سازد، مانند šikâr-či

(شکارچی).

-dun: با اسم ترکیب می شود و اسم "مکان" می سازد، مانند veče-dun

gan-dun (بچه دان)، šir-dun (شیردان)، nemak-dun (نمکدان).

(قنددان).

-duni: صورتی اریسونده-dun است که اسم "مکان" می سازد، مانند

pil-duni (قلک).

-ger: با اسم با صفت ترکیب می شود و اسم با معنی "شغلی" می سازد، مانند

ġâhen-ger (آهنسگر)، meθ-ger (مسگر)، ʔeθbeʔ-ger (سفیدگر).

-geri: با صفت ترکیب می شود و اسم مصدر می سازد، مانند ʔâni-geri

(گدائی).

-gi: گونه ای اریسونده-ge است که پس از کلمات مختوم به /e/ ظاهر می شود و

اسم مصدر با اسم می سازد، مانند ʔiθtâde-gi (ایستادگی)، tâje-gi

(نارگی)، ʔande-gi (زندگی).

-gin: با اسم ترکیب می شود و صفت می سازد، مانند xašm-gin (خشمگین).

-gune: با صفت ترکیب می شود و صفت می سازد، مانند veʔâ-gune

(جداکانه).

-gune: گونه ای اریسونده-une است که پس از کلمات مختوم به /e/ ظاهر

می‌شود، مانند *veče-gune* (بچه‌گانه).

-ĵi: با معنی "نسبت" با اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند
miyun-ĵi (میانجی).

-vâde: با معنی "نسبت" با اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند
keĵe-vâde (خانواده).

-vâr: با معنی "دارندگی" با اسم ترکیب می‌شود و صفت می‌سازد، مانند
omid-vâr (امیدوار).

-vun: با معنی "محافظة" با اسم ترکیب می‌شود و اسم می‌سازد، مانند
âthiyou-vun (آسیابان).

-y: گونه‌های اریسوند *i*- (یا نسبت) است که پس از واژه (مصوت) ظاهر می‌شود،
مانند *bede-y* (بدهی)، *sarbâlâ-y* (سربالائی)، *neveče-y*
(بچه‌خوانده).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابشناسی

تغفلی، احمد. (۱۳۵۰). "اطلاعاتی درباره لهجه پیشین اصفهان"، نامد

مینوی، تهران: ص ۷۸-۸۶.

شفقی، سیروس. (۱۳۵۳). جغرافیای اصفهان. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

کلباسی، ایران. (۱۳۵۷). "فعل در گویش کلیمان اصفهان"، ششمین کنفرانس

تحقیقات ایرانی. دانشگاه آذربایجان، ص ۳۰۴-۳۳۸.

_____ . (۱۳۵۸). "ساختمان آوایی انواع در فارسی"، هشتمین کنفرانس

تحقیقات ایرانی. دفتر دوم، ص ۶۳-۷۲.

Abrahamian, R. (1936), *Dialectes des Israelites de Hamadan et d'Isphahan et le Dialecte de Babatahir*. Paris:

Lazard, G. (1966), "la Dialectologie du judeo-persan", *Studies in Bibliography and Booklore*, Cincinnati: 8, p.77-98.

Mackenzie, D.N. (1968), "An Early jewish-persian Argument", *B.SOAS*, 3], p.249-269.

Paper, H.H. (1967), "A Note on Judeo-persian copulas", *J. of the Amer. or. soc.*, 87, p.227-230.

_____ . (1968), "The use of (ha)mē in selected Judeo-persian texts", *J. of the Amer. Or. soc.*, 88, p.483-494.